

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی‌ام، دوره جدید، شماره ۴۷، پیاپی ۱۳۷، پاییز ۱۳۹۹ / صفحات ۶۰-۳۱

مقاله علمی - پژوهشی

## تحلیلی بر نقش زلزله در متروک‌سازی استقرارهای شاخص دشت میمه (اصفهان) در صدر اسلام<sup>۱</sup>

محمداسماعیل اسمعیلی جلودار<sup>۲</sup>

حمید پوردادود

احمد صالحی کاخکی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۵/۰۱/۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۴/۰۷/۱۳۹۹

### چکیده

زلزله‌خیز بودن ایران، در طول تاریخ باعث تخریب بسیاری از استقرارها و شهرها شده است؛ تا جایی که متون تاریخی-جغرافیایی نیز به این موضوع پرداخته‌اند. طبق این متون، در بعضی موارد به سبب آسیب‌های فراوان وارده و تخریب کلی شهر، امکان از نو ساختن و یا ادامه بقای آن استقرار در همان مکان وجود نداشته؛ به همین دلیل بازماندگان این زلزله‌های ویرانگر به‌ناچار در نزدیکی استقرار ویران‌شده و در پیوند با عوامل حیاطی که هر شهری به آنها وابستگی داشته است، استقراری جدید را ساخته‌اند. از نمونه‌های بارز این‌گونه استقرارها، استقرارهای دشت میمه استان اصفهان نظیر رباط آغا کمال، ازان، میمه، وزوان و جوشقان قالی است که همه آنها در یک بازه زمانی به علت زلزله‌های ویرانگری که در سده‌های آغازین اسلامی رخ داده بود، متروک شدند و دوباره در پیوند با استقرار تخریب‌شده، استقرار جدیدی ساخته شده است. هدف از مطالعه حاضر، بررسی نقش زلزله در متروک‌سازی استقرارهای تاریخی این دشت، بر پایه تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای است. اصلی‌ترین سؤال پژوهش این است که چرا استقرارهای شاخص دشت میمه در صدر اسلام در یک بازه زمانی مشابه به ناگاه متروک شده و استقرار جدیدی در پیوند با آنها ساخته شده است؟ فرضیه مطرح شده آنچنان که متون تاریخی و شواهد میدانی نشان می‌دهد، زمین‌لرزه یا زمین‌لرزه‌هایی است که در اواسط قرن سوم قمری رخ داده و محدوده مورد مطالعه را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

**واژه‌های کلیدی؛** باستان‌لرزه‌شناسی، متون تاریخی، محوطه‌های تاریخی، دشت میمه اصفهان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.25351.1973

۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران [jelodar@ut.ac.ir](mailto:jelodar@ut.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) [hamidpoordavood@yahoo.com](mailto:hamidpoordavood@yahoo.com)

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول مقاله با عنوان «تحلیل نقش قنات سدادار عمومی و قنات حاجی‌آباد در شکل‌گیری وزوان و استقرارهای تابعه این شهر با پیشنهادی بر گاه‌نگاری نسبی آن» است.

۴. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان [salehi.k.a@au.ac.ir](mailto:salehi.k.a@au.ac.ir)

#### مقدمه

شکل‌گیری و بقای شهرها در ایران، تابع عوامل مؤثر گوناگونی از جمله راه، دسترسی به منبع آب دائمی، زمین حاصلخیز، امنیت و موارد دیگر است. در این میان، نقش راه و دسترسی به آب و زمین حاصلخیز از اصلی‌ترین این شاخص‌ها برای بقای هر شهر است. در سایه راه پررفت و آمد، هر آنچه که یک شهر از مواد اولیه نیاز داشته، به دست می‌آمده و از طرفی محصولات تولید شده به نواحی دیگر صادر می‌شده است. همین‌طور با توجه به اهمیت کشاورزی در معیشت مردمان ایران، دسترسی به زمین مناسب و آب فراوان که در مناطق مرکزی ایران غالباً به وسیله کاریز حاصل می‌شده، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. با همه این تفاسیر، مکان‌گزینی شهرها امری پیچیده بوده که به سبب آن به راحتی امکان رهاسازی یک شهر و برپایی شهری جدید، بدون در نظر گرفتن شاخص‌های یادشده، امکانپذیر نبوده است. با توجه به ساختار فلات ایران، از میان تمامی بلایای طبیعی، بیش از همه زلزله به این سرزمین آسیب رسانده است. فلات ایران با توجه زمین ساخت ورقه‌ای و تعدد صفحات، همیشه درگیر زلزله‌های بیشمار بوده که گاه و بیگاه بر سر مردم این سرزمین آوار می‌شده و تلفات و ویرانی‌های بسیاری را به بار می‌آورده است. در متون تاریخی و جغرافیایی از بسیاری از این زمین‌لرزه‌ها در جای‌جای این فلات یاد شده و اینکه چگونه اساس شهرهای بزرگ و کوچک به یکباره نابود شده و مردمان آن ناحیه با سختی‌ها و مشقت‌های بی‌شماری روبه‌رو شده‌اند. از جمله این زلزله‌های ویرانگر، زمین‌لرزه‌ای است که طبق آنچه در متون آمده، محدوده وسیعی از نیشابور تا اصفهان را در بر گرفته و شهرها و محوطه‌های زیادی را به تلی از خاک تبدیل کرده است. هدف از پژوهش حاضر آن است که به بررسی اصلی‌ترین علت متروک شدن استقرارهای شاخص دشت میمه که در قرون اولیه اسلامی به ناگاه همه این استقرارها متروک شده‌اند، پرداخته شود.

در پژوهش حاضر اصلی‌ترین پرسشی که ذهن نگارندگان را به خود مشغول ساخته و در پی پاسخ به آن بوده‌اند، این است که چرا استقرارهای شاخص دشت میمه که طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارندگان، شهرهای وزوان، ازان، میمه و جوشقان قالی و محوطه رباط آغا کمال است، به ناگاه و در یک بازه زمانی متروک شده‌اند؟ چرا شهرها و استقرارهای جدیدی در کنار آنها ظاهر شده است. در بررسی‌ها و مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته، رد پای زمین‌لرزه‌هایی در میانه سده سوم قمری مشاهده شده است که می‌تواند اصلی‌ترین علت و یا فرضیه مطرح شده در این باره باشد.

در توضیح روش پژوهش باید گفت نگارندگان به اقتضای موضوع، خود را ناگزیر از انجام

بررسی‌های باستان‌شناسانه (میدانی) و مطالعات کتابخانه‌ای و در نهایت مطالعات تطبیقی دیده‌اند و تلاش کرده‌اند براساس روش‌های یاد شده، به نتیجه مطلوب دست یابند.

### پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقات صورت گرفته در منطقه مورد مطالعه می‌توان به کتاب سد زیرزمینی قنات وزوان میمه اصفهان (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹) و یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد پاکراد با عنوان «اوضاع اقتصادی بخش میمه و امکانات توسعه آن» (پاکراد، ۱۳۶۳) و همچنین مقاله «بررسی فلزگری کهن در بخش میمه اصفهان، با تکیه بر پتروگرافی سرباره‌های فلزی» (اعراب و بهشتی، ۱۳۹۶) و یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد پورداد (۱۳۹۷) اشاره کرد که از جنبه‌های مختلف به بررسی این منطقه پرداخته‌اند. تا به حال مطالعه‌ای در زمینه باستان‌لرزه‌شناسی در منطقه مورد مطالعه صورت نگرفته و فقط سازمان زمین‌شناسی نقشه گسل‌های فعال منطقه را تهیه کرده است (۱۳۸۲). در زمینه پژوهش حاضر می‌توان به مطالعات ملویل (۱۹۸۰) و امبرسیز و ملویل (۱۳۷۰) اشاره کرد که با روش مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی زمین‌لرزه‌های تاریخی در بخش وسیعی از ایران، از جمله منطقه مورد مطالعه پرداخته‌اند. گفتنی است از جمله مطالعات مربوط به باستان‌لرزه‌شناسی که در دیگر مناطق صورت گرفته و به نوعی می‌توان از آنها در پژوهش حاضر بهره گرفت، مقاله «امکان کاربرد باستان‌لرزه‌شناسی در ایران» (صحبتی و فتاحی، ۱۳۸۸) است. نگارندگان مقاله یاد شده، به تفصیل شواهد زمین‌لرزه‌های تاریخی را مطالعه کرده و مورد بررسی قرار داده‌اند که در مواردی به فراخور شرایط محدوده مورد مطالعه (دشت میمه)، از موارد مشابه ارائه شده توسط صحبتی و فتاحی برای پیگیری زمین‌لرزه رخ داده در این دشت استفاده شده است.

### بخش اول. وضعیت و ویژگی جغرافیایی میمه اصفهان

بخش میمه دارای دو شهر به نام‌های میمه و وزوان و دو دهستان به نام‌های ونداده و زرکان است. دهستان ونداده به مرکزیت روستای ونداده شامل روستاهای ونداده، ازان، خسروآباد، زیادآباد، قاسم‌آباد، سعیدآباد، رباط آغا کمال، چغاده و مراوند و دهستان زرکان به مرکزیت روستای حسن رباط شامل روستاهای حسن رباط، لوشاب، الیبد و موته است. این دشت در حدود صد کیلومتری شمال اصفهان و در شمال غربی آن واقع شده و با شهرهایی چون کاشان، نطنز، اردستان، گلپایگان و دلجان همسایه و وسعت آن ۲۰۹۸ کیلومتر مربع و در ارتفاع ۱۹۷۰ متری از سطح دریاهای آزاد قرار گرفته است (اروجی، ۱۳۹۰: ۱). شهرهای میمه و وزوان با

گسترش شمالی - جنوبی در امتداد جاده اصفهان به دلیجان - قم و در یک موقعیت دشتی هموار واقع شده و در امتداد یکی از پرتودترین راه‌های ارتباطی تاریخی ایران قرار گرفته است (حیدریان و ساسان‌پور، ۱۳۹۲: ۵). گفتنی است تا چند دهه قبل، همه دهات و قصبه دشت میمه، در اداره جوشقان قالی بوده‌اند و خود جوشقان نیز در اداره کاشان بوده است (زرگری، ۱۳۷۴: ۱۸۲)

### پیشینه تاریخی

ابن خردادبه جغرافیانویس مشهور قرن سوم قمری، در شرح مسیر اصفهان به ری، از رباطی به نام «وز» یاد کرده و نوشته است: «از برخوار تا رباط وز هفت فرسخ و ...» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۴)؛ که احتمالاً این نقل قول اشاره به نقش مهم این منطقه در پیوند شهرهای اصفهان - ری دارد. همچنین ابن‌رسته جغرافیانویس قرن سوم قمری، در گزارش راه‌های اصفهان و ذکر مسافت آن تا ری، به شهری با عنوان وز اشاره کرده است (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۲۳). در کتاب تاریخ قم در قرن چهارم قمری از قریه «میم» که «آباد و مردمان آن به شغل کشاورزی و سفالگری مشغول بودند...» یاد شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۶۷). ابورضا راوندی نیز در قرن ششم قمری در دیوان خود از میمه سخن به میان آورده است: «در سال ۵۳۲ قمری منطقه کاشان مورد هجوم ملک سلجوق بن محمد بن ملک شاه سلجوقی قرار گرفت. در این هجوم گرچه شهر کاشان به سبب وجود برج و باروی مستحکم و قلعه بانان مسلح از خطر نابودی در امان ماند و سرانجام مجدالدین کاشی یکی از خیرین شهر، با پرداخت هفت هزار دینار زر سرخ به مهاجمان، شهر را از محاصره آنان نجات داد، با وجود این چهل آبادی اطراف کاشان از جمله قرآن<sup>۱</sup> و میمه درنوردیده شد (راوندی، ۱۳۳۴: ۷۴-۸۶). در آغاز قرن حاضر نیز در کتاب *مرآة القاسان* یا تاریخ کاشان آمده است که میمه جزء قراء خمسه کاشان است. در این کتاب قراء خمسه شامل قریه میمه، قریه زیادآباد، قریه ازون، قریه وزون، قریه ون و جسزو بوده است که تحت اداره قصبه جوشقان بودند (ضرابی، ۱۳۷۸: ۴۰). همچنین ماکسیم سیرو در جریان عبور از دشت میمه این گونه از میمه یاد کرده است که: «قصبه کوچک میمه که قدری از جاده جدید به کنار افتاده، نزدیک رودخانه‌ای که معمولاً خشک شده، واقع است ...» (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۱).

۱. روستای قرآن از توابع بخش قمصر شهرستان کاشان (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۵۵۱).

## زلزله‌های تاریخی در منابع نوشتاری و تأثیر آنها بر متروک شدن استقرارهای مهم دشت

میمه

با مطالعه متون نوشتاری می‌توان دریافت که در منطقه مورد مطالعه در طول تاریخ زلزله‌های زیادی رخ داده است؛ از جمله مهم‌ترین زلزله‌ها زمین‌لرزه‌هایی است که در میانه قرن سوم قمری رخ داد و محدوده بسیار وسیعی از نیشابور تا شمال اصفهان را در بر گرفت. در این مورد یعقوبی در قرن سوم قمری به زلزله‌ای سهمگین اشاره کرده که در سال ۲۴۲ق. رخ داده بود و شهر تاریخی نیشابور را ویران کرد. در نتیجه، آن شهر را با کمی تغییر مکان، دوباره در همان منطقه ساخته بودند. یعقوبی در ادامه به بیان بزرگی این زلزله پرداخته و گفته است: «... در همین ماه مردم فارس را شعاعی رسید که از ناحیه قلم برآمد...» (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۲۱/۲). پس این زمین‌لرزه و پس‌لرزه‌های آن تا فارس نیز رسیده بود. ملویل در بیان «وسعت محدوده تحت تأثیر» این زلزله، بعد از آنکه از قول یعقوبی به همین زمین‌لرزه اشاره کرده، مدعی شده است که این زمین‌لرزه با زلزله سال ۱۹۷۸ که با مرکزیت طبرس رخ داده و از کرمان تا تهران را تحت تأثیر قرار داده بود، برابری می‌کند (Melville, 1980: 18/104). در بیان بزرگی زلزله رخ داده، ابن جوزی در قرن ششم قمری در کتاب *المنتظم* به زلزله‌ای خانمان‌برانداز اشاره کرده که در سال ۲۴۲ رخ داده و در جریان آن شهرهای زیادی در نیشابور و قم و کاشان و اصفهان نابود و مردم بسیار زیادی در این نواحی هلاک شدند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۴/۱۴). مرجانی نیز در کتاب خود در قرن هشتم به زلزله‌ای سهمگین اشاره کرده که در سال ۲۴۲ق. در نواحی ری، جرجان، نیشابور، کاشان، قم، اصفهان و دامغان رخ داده و موجب کشته شدن ۴۵ هزار نفر شده است. وی در توصیف این زلزله آورده است که کوه‌ها فرو ریختند و از زمین و آسمان صداها عجیب شنیده می‌شد و تخته‌سنگ‌های کوه‌ها به زمین‌های کشاورزی افتادند! (مرجانی، ۲۰۰۲: ۲۹۳). در جایی دیگر شمس‌الدین محمدبن احمد ذهبی در قرن هشتم قمری گفته است در سال ۲۴۲ق. در ری و جرجان و طبرستان و نیشابور زلزله‌ای رخ داده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۸/۱۸) که با توجه به یکی بودن سال و برخی شهرهای نام‌برده می‌توان مدعی شد زلزله مذکور همان زلزله‌ای است که دشت میمه را نیز تحت تأثیر قرار داده بود. ابن تغری بردی نیز در قرن نهم قمری در کتاب *خود النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة* درباره این زلزله گفته است در سال ۲۴۲ق. زلزله سهمگینی رخ داد که ولایات ری و گرگان و طبرستان و اصفهان را در بر گرفت و به موجب آن کوه‌ها شکسته شدند و زمین شکاف‌های بزرگی برداشت و از کوه‌ها چشمه‌های آب جاری شده است و به موجب آن افراد بسیاری هلاک شدند (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۳۰۷/۲). با توجه به وسعت منطقه‌ای که این زلزله آن را

در بر گرفته، می‌توان به قدرت آن نیز پی برد. از آنجا که منطقه مورد مطالعه در بین اصفهان و دیگر شهرهای یادشده قرار دارد، احتمالاً باید از این اتفاق آسیب زیادی دیده باشد. همچنین در کتاب *امتاع الاسماع* که در قرن نهم نوشته شده، آمده است که در سال ۲۴۲ق. در یک زمان در جرجار (جرجان) طبرستان، نيسابور، اصفهان، قم و قاشان زلزله‌ای سهمگین رخ داد که ۲۵ هزار نفر در جریان آن کشته شدند و کوه‌ها شکافتند و آب از چشمه‌ها جوشید و صداهاى عجیبی از زمین و آسمان شنیده شد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۹۳).

از تمامی این نوشته‌ها، آنچه معلوم است این که در اواسط قرن سوم قمری زلزله‌های بسیار سهمگینی در این مناطق رخ داده که به واسطه آن، تلفات زیادی به مردم این نواحی وارد شده است. در کتاب *تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران* نیز به وقوع دو زلزله مهم در نواحی قم، کاشان و اصفهان اشاره شده است: یکی در سال ۸۵۶م/ ۲۳۷ق. و دیگری در ۹۵۸م/ ۳۴۰ق (امبرسیز و ملویل، ۱۳۷۰: ۴۳). رحمت‌الله زرگری در دوران معاصر در کتاب *جوشقان قالی* به نقل از متون چنین آورده است که در سال ۲۳۹ق. در نواحی جرجان و طبرستان و قم و کاشان و اصفهان زمین‌لرزه‌ای رخ داده است که بر اثر شدت آن کوه‌ها شکافته شدند و حدود ۴۵ هزار نفر از مردم این مناطق کشته شدند و دشت میمه که در این بین بوده، نیز از این زلزله آسیب فراوان دیده است (زرگری، ۱۳۷۴: ۱۹۹). امبرسیز و ملویل این ناحیه را از نظر خطر بروز زمین‌لرزه در پهنه زلزله‌خیزی با خطر متوسط قرار داده‌اند (امبرسیز و ملویل، ۱۳۷۰: ۴۳). از همه آنچه تاکنون گفته شد پیداست که شهرهای دشت میمه به واسطه قرار گرفتن در موقعیت مهم بین راهی، از نقش انکارناپذیری برخوردار بوده‌اند که به واسطه همین نقش، در متون متعددی از آنها یاد شده است. از طرفی شهرهای این دشت وسیع به واسطه حیات طولانی که از عصر ساسانی تا زمان حال حاضر را در برمی‌گیرد، تحولات گوناگونی را شاهد بوده‌اند که اصلی‌ترین آنها -همان‌گونه که در متون تاریخی نیز آمده- زمین‌لرزه‌ای بوده است که در سال ۲۴۲ق. رخ داده و به واسطه آن احتمالاً شهرها و محوطه‌های این دشت ویران شدند و در پیوند و نزدیکی آنها دوباره استقرارهایی تأسیس شده است. از جمله دلایل جابه‌جایی سکونتگاه‌ها بدون دلایل مشخص -نظیر جنگ، تغییر اقلیم، تغییر راه و غیره- در طول تاریخ را می‌توان زمین‌لرزه‌های سهمگین رخ داده دانست (صحبتی و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

#### مطالعه موارد مشابه از متروک‌سازی شهرها بر اثر زمین‌لرزه

در تاریخ بیهقی در قرن ششم قمری آمده است که سبب زلزله مردم این شهر (بیهق) به قسمت دیگری از دشت کوچ کرده بودند. «زلزله‌ای در سال ۴۴۴ قمری واقع شد که به سبب آن

خانه‌ها در این ناحیه خراب شد و مردم به قسمت دیگری از صحرا کوچ کردند و چهل شبانه‌روز در آن منطقه ماندند» (بیهقی، ۱۴۲۵: ۴۸۰). در این مورد وابستگی مردم به مکان شهر قبلی کاملاً مشهود است؛ زیرا گویا دوباره به موقعیت شهر قبلی بازگشته‌اند. در *آثار البلاد و اخبار العباد* در قرن هفتم قمری نیز در توضیح زلزله رخ داده در شهر غنجره (شهری در وسط ولایت روم) آمده است: «در سنه چهارصد و چهل و دو هجری به سبب زلزله رخ داده، جمیع آن شهر با قلعه و کنایس و هفتاد ده خراب شدند و آب گرم بسیار از این زلزله جوشیدن گرفت و جاری شد» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۲۸). همین‌طور در کتاب *تاریخ طبرستان* آمده است پس از رخ دادن زلزله‌ای مهیب شهر فریم (پریم؟)<sup>۱</sup> کاملاً خراب شد و ساکنان آن مجبور شدند شهر را کمی آن‌سوتر (آن طرف رودخانه) بسازند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۷۵). پرواضح است که اگرچه این شهر در محدوده گرم و خشک واقع نبوده و به آب قنات وابستگی نداشته، حیات خود را در گرو رودخانه (جوی) می‌دیده و امکان فاصله گرفتن از این جوی برای ساکنان شهر وجود نداشته است. شاردن نیز سیصد سال پیش مدعی شده است شهر قزوین چند بار بر اثر زلزله تخریب شده و دوباره در همان مکان بازسازی شده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۵۱۰). در *بستان السیاحه* آمده است شهر کازرون یک بار بر اثر زلزله به صورت کامل از بین رفت و دوباره در همان موقعیت بازسازی شده است. (شیروانی، [بی‌تا]: ۴۵۷). در همین منبع درباره زلزله رخ داده در شهر نیشابور آمده است: «در سنه پانصد و اند هجری به سبب زلزله شدید شهر خراب گردید و در نواحی دیگر آن شهر بنا کردند که به شادیاخ موسوم ساختند و در سنه ۶۶۶ هجری دیگر باره به علت زلزله خراب شد و هم در قرب آن شهر دیگری احداث کردند و به سبب زلزله عظیم در ۸۰۸ هجری ویران گردید که اکنون شهری که آنجاست، بنا نمودند» (همان، ۵۷۴). در *تاریخ کاشان* نیز به تخریب شهر بر اثر زمین‌لرزه و بازسازی چندباره آن در همان موقعیت اشاره شده است (ضرابی، ۱۳۷۸: ۲۰۸-۲۰۹، ۳۵۹). در *سفرنامه ایران و روسیه* به تخریب شهرهایی بر اثر زمین‌لرزه و بازسازی این شهرها در همان موقعیت اشاره شده است (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳: ۱۲۵). در کتاب *مازندران و استرآباد می‌بینیم* که شهر فریم (پریم) بر اثر زلزله متروک شده و ساکنان آن به مکان دیگری کوچ کرده بودند (رابینو، ۱۳۸۳:

۱. شهری در مازندران (لفظی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱) با حصار آجری شبیه به قلعه، واقع در جلگه موسوم به پریم، جنب رودخانه اشک. قسمت شمال شرقی آن محل امروزه به شهر دشت معروف است و هنوز آثاری در آنجا وجود دارد و این شهر چنان‌که یاقوت حموی نوشته در سنه ۶۰۰ق. مسکون بوده است. فریم شامل دو محل بوده جبال دیلم و ناحیه وسیع حوالی ساری. قریه‌های بلوک بنافت جزء فریم بوده با متجاوز از پنجاه قریه که تمام را فریم می‌گفته‌اند. احتمال قوی این است که شهر فریم در زلزله بزرگ حدود ۷۰۰ق. ویران شده باشد (رابینو، ۱۳۸۳: ۹۷).

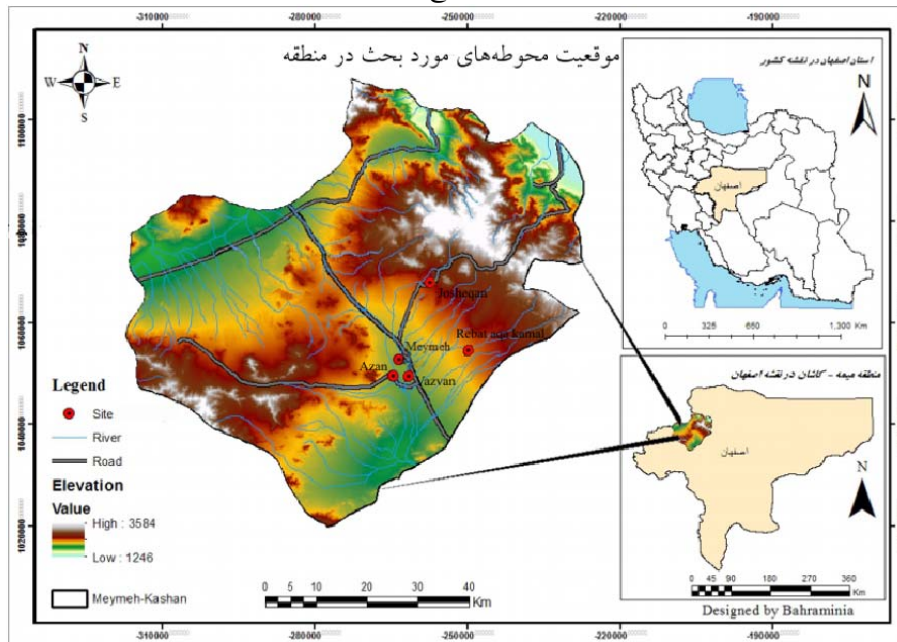
۹۷). اعتمادالسلطنه درباره شهر تبریز آورده است که این شهر از آغاز احداث بارها بر اثر زمین‌لرزه تخریب شده و هر بار در همان موقعیت بازسازی شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۶۰۸). در کتاب *تاریخ پانصد ساله تبریز* آمده است که احتمالاً تبریز چندین بار در معرض زلزله یا هجوم دشمنان ویران و به قصبه‌ای تبدیل شده و سپس دوباره مرکز تجارت و صنعت شده است (عون الهی، ۱۳۷۸: ۴۷). هانری رنه دالمانی صد سال پیش در *سفرنامه از خراسان تا بختیاری* در این باره آورده است که شهر قوچان نیز بر اثر زمین‌لرزه بارها تخریب شده که هر بار به علت وابستگی باقیمانندگان به موقعیت و زمین‌های زراعی، دوباره در همان موقعیت از نو ساخته شده است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۵۹۸). کمتر از صد سال پیش نیز زلزله‌ای در قوچان رخ داد که با وجود قدرت و خسارات و تلفات جانی بسیار، مردم به علت وابستگی به موقعیت و عوامل مؤثر و حیاتی شهر سابق، شهر جدید را دوباره در همان موقعیت ساخته‌اند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۶۰). در *ترکنامه* که در قرن حاضر به رشته تحریر درآمده، درباره زلزله رخ داده در خبوشان (قوچان) آمده است که شهر یک بار بر اثر زلزله ویران شد و دوباره در همان مکان از نو ساخته شده است (شاکری، ۱۳۶۵: ۴۳۴). شهر شادیاخ نیز یک بار بر اثر زلزله نابود شد و دوباره شهری در نزدیکی و پیوند با آن ساخته شد. «... در سال ۱۲۶۷م. شادیاخ به کلی در اثر زلزله‌ای نابود شد و در نزدیکی آن شهر جدید بنا نهاده شد. شهر جدید در سال ۱۴۰۵م. به سبب زلزله دیگری نابود شد و شهر فعلی نیشابور بنا شد» (بیت، همان، ۳۸۹). در کتاب *گرگان و استرآباد* نیز آمده است که شهری به نام بربر بر اثر زلزله تخریب شد و بازماندگان مصالح موجود را برای ساختن شهر استرآباد برده بودند (معطوفی، ۱۳۸۷: ۸۴۰).

### بخش دوم. مطالعات باستان‌شناسی

بررسی‌های باستان‌شناختی جدید نشان می‌دهد که مهم‌ترین استقرارهای دشت میمه، محوطه رباط آغا کمال، ازان، میمه، وزوان، و جوشقان بوده است (پورداد، ۱۳۹۷: ۱۴۸-۱۲۵). در این میان با توجه به توسعه شهری صورت گرفته، بخش‌هایی از محوطه‌ها بر اثر ساخت و ساز مدفون شده است. در مورد جوشقان، این توسعه شهری بسیار پررنگ‌تر بوده و در تمام سطح محوطه ساخت‌وساز صورت گرفته است. در ادامه، محوطه‌های شاخص مورد بحث مقاله معرفی و تحلیل شده‌اند.



شکل ۱. منطقه مورد مطالعه به همراه مکان‌گزینی محوطه‌ها و شهرهای رباط آغا کمال، وزوان، ازان، میمه و جوشقان قالی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



### محوطه باستانی رباط آغا کمال

رباط آغا کمال در دوازده کیلومتری شرق شهر وزوان و در کنار جاده آسفالتی قرار دارد که از جاده ترانزیتی اصفهان به تهران منشعب می‌شود. مجموعه رباط آغا کمال در جنوب رودخانه فصلی دست‌کن و فاصله حدوداً صد متری این رودخانه قرار دارد. در حال حاضر این مجموعه متشکل از یک کاروان‌سرای عباسی، یک حمام صفوی، آثار بسیار مهمی از یک کارگاه ساسانی- صفوی، یک استقرار ساسانی و یک استقرار کوچک‌تر، اما متأخرتر اسلامی است. البته توجه ما در این بحث بر پیشینه ساسانی این مجموعه متمرکز است؛ زیرا از جهتی به واسطه بزرگی و وسعت زیاد، گویای اهمیت این مجموعه در آن بازه زمانی بوده و از طرفی متروک شدن همزمان این مجموعه ساسانی- صدراسلامی (ادعای پیشینه ساسانی، مجموعه برگرفته از شیوه معماری سنگ و ساروج ساسانی و سفالینه‌های ساسانی آن است که به فراوانی در سطح مجموعه دیده می‌شود) با دیگر محوطه‌های دشت میمه می‌تواند گویای وقوع اتفاقی خاص و فراگیر در این منطقه باشد؛ اتفاقی که به باور نگارندگان همان زمین‌لرزه رخ داده در سده سوم قمری است.

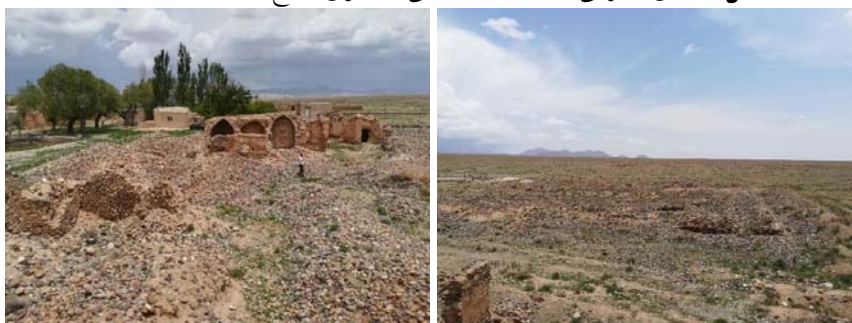
شکل ۲. عکس هوایی مجموعه رباط آغا کمال و جانمایی آثار شناسایی شده ساسانی و اسلامی در آن (google.map.com و اعمال تغییرات توسط نگارندگان، ۱۳۹۷)



بخش اعظم این مجموعه شامل آثار مادی (معماری و سفالینه) مربوط به بازه زمانی اواخر ساسانی- صدر اسلام و عصر صفوی است (کاتالوگ و جدول سفال شماره ۱).<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد این مجموعه (کارگاه و استقرار) عظیم ساسانی نیز به صورت ناگهانی و بدون هرگونه استمرار و به دست آمدن شواهدی از آن در سطح محوطه، متروک شده و دوباره پس از چند صد سال وقفه، از این مجموعه استفاده شده است. با توجه به یافت شدن چندین کوره ذوب فلز، این محدوده احتمالاً به عنوان یک مجموعه فلزگری و صنعتی نیز مورد استفاده بوده است (پورداد، ۱۳۹۷: ۲۱۹-۲۰۹).

شکل ۳. چشم‌انداز استقرار ساسانی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)؛

شکل ۴. نمای عمومی از کارگاه ساسانی- صفوی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



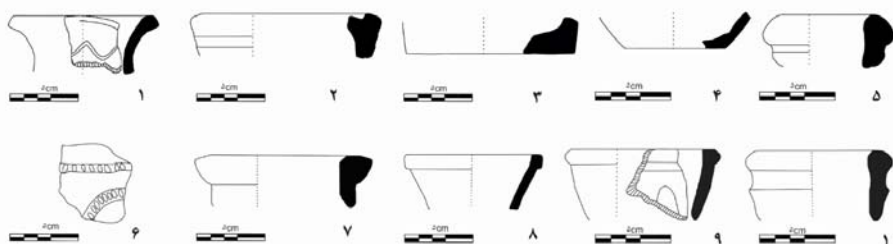
۱. سفال شماره ۳ و ۸ صفوی است.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۴۱

شکل ۵. آثار و بقایای کوره شمالی کارگاه (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



کاتالوگ شماره ۱. طرح سفالینه‌های شاخص استقرار ساسانی و کارگاه ساسانی - صفوی رباط  
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



جدول کاتالوگ شماره ۱. مقایسه سفالینه‌های شاخص استقرار ساسانی و کارگاه ساسانی - صفوی  
رباط (شماره ۱-۱۰)

شماره	توصیف (فرم، رنگ خمیره، تکنیک ساخت، نوع پخت، پوشش و خمیره سفال)	منابع مقایسه‌ای
۱	لبه، زمخت؛ تمپر ماسه، جگری؛ لعاب، نخودی؛ جداره، خارجی؛ خمیره، قهوه‌ای روشن	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۶۸، طرح ۹
۲	لبه، زمخت؛ تمپر ماسه، مشکی، ریز و کاه، پخت ناقص و دودزده؛ لعاب، نخودی؛ دو طرف ظرف، خمیره قهوه‌ای روشن؛ اثرانگشت بر جداره خارجی	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۳، شکل ۴: ۱۹

شماره	توصیف (فرم، رنگ خمیره، تکنیک ساخت، نوع پخت، پوشش و خمیره سفال	منابع مقایسه‌ای
۳	کف، چرخ‌ساز؛ با لعاب فیروزه‌ای نازک در داخل؛ آثار پراکنده لعاب در خارج، پخت کافی	
۴	کف کوزه، چرخ‌ساز؛ پخت کافی؛ تمپر ماسه، ریز	Priestman, ۲۰۱۳: ۴۷۴, j: ۴۱۶, ۰۱
۵	لبه، چرخ‌ساز؛ بدون لعاب؛ تمپر ماسه، ریز؛ خمیره، سرخ؛ پخت کافی	امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: ۲۳، ۸
۶	بدنه، نقش افزوده؛ لعاب نخودی روشن (خارج ظرف)؛ پخت کافی	
۷	لبه ظرف، چرخ‌ساز؛ خمیره، سرخ؛ بدون لعاب؛ تمپر ماسه، ریز	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۶۸، طرح ۱ محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۲۱s. s, ۱۴۰
۸	لبه و بدنه، تمپر ماسه ریز مشکلی، لعاب سبز غلیظ در سطح داخل	
۹	لبه و بدنه، چرخ‌ساز؛ تمپر درشت ماسه و کاه؛ پخت کافی؛ لعاب نخودی روشن	
۱۰	لبه و بدنه، چرخ‌ساز؛ پخت کافی؛ لعاب نازک نخودی روشن؛ لبه و خارج	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۱، شکل ۷، طرح ۳۰ امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: ۲۳ طرح ۶

### محوطه ازان

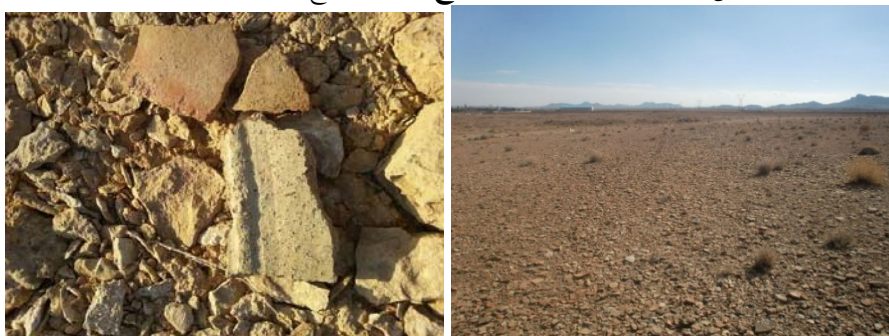
این محوطه که می‌توان آن را بزرگ‌ترین محوطه باستانی دشت میمه به حساب آورد، در غرب روستای امروزی ازان واقع شده است. مساحت این محوطه که در زمان حیات، شهری ساسانی بوده، در حدود چهل هکتار ثبت شد که گویای اهمیت این محوطه در بازه مورد مطالعه است. تمام سفال‌های این محوطه مربوط به دوره ساسانی و صدر اسلام است (کاتالوگ و جدول کاتالوگ شماره ۲). پراکنش سفال در سطح محوطه یکنواخت نیست و در بخش شمالی آن، حجم سفالینه‌ها به مراتب بسیار بیشتر از دیگر نقاط این محوطه است. از طرفی، هیچ نشانه‌ای از وجود کوره سفالگری در این محدوده یافت نشده است. گفتنی است سرباره‌های فلزی به

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۴۳

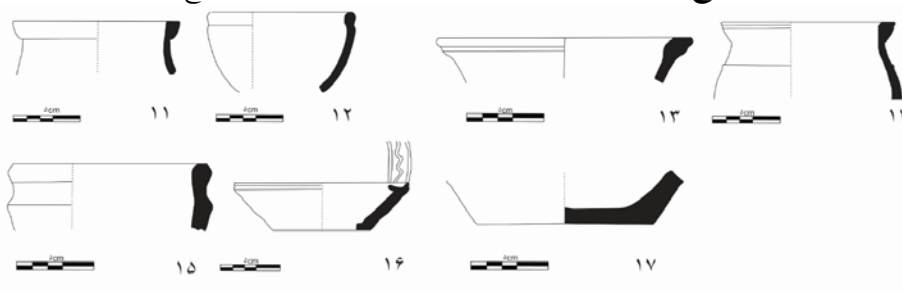
دست آمده از محوطه‌ی ازان، در بخش متمرکزی از محوطه یافت نشدند، بلکه در سرتاسر آن به صورت پراکنده قابل شناسایی می‌باشند.

شکل ۶. سطح محوطه ازان؛ دید از سمت شمال (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)؛

شکل ۷. نمونه‌های سفالینه‌های سطح محوطه (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



کاتالوگ شماره ۲. طرح سفالینه‌های شاخص محوطه ازان (شماره ۱۱-۱۷) (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



جدول کاتالوگ شماره ۲. مقایسه تطبیقی سفالینه‌های محوطه‌های ازان (شماره ۱۱-۱۷)

شماره	توصیفات	منابع مقایسه‌ای
۱۱	لبه ظرف (احتمالاً خمیره)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل، پوشش لعاب، رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	خسروزاده و عالی، همان، طرح ۱ محمدی‌فر و طهماسبی، ۲۱s. s, ۱۴۰: ۱۳۹۳
۱۲	لبه و بدنه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	رهبر، ۱۳۸۲: ۱۶۲، طرح ۱۳۱ Priestman, 2013: 496; gws.lgi, 1

شماره	توصیفات	منابع مقایسه‌ای
۱۳	لبه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	خسروزاده و عالی: ۶۸:۱۳۸۹ طرح ۹
۱۴	لبه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۳، ۱۰۲
۱۵	لبه (کاسه)، رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز، پخت کامل، پوشش، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۱، شکل ۷، طرح ۳۰ امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: ۲۳ طرح ۶
۱۶	لبه، بدنه و بخشی از کف (طشت)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل، پوشش لعاب، سبز روشن؛ شاموت، ماسه بادی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۰ طرح s. ۱۲۲
۱۷	کف (کاسه)، رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۳، طرح ۳۵ Alden and Balcer, 1987: 23, type 84.

#### تپه باستانی مسجد جامع میمه

این تپه با وسعت حدوداً دو هکتار در قسمت جنوب غربی مسجد جامع میمه و چسبیده به شهر فعلی میمه قرار دارد. با توجه به وسعت این محوطه، به نظر می‌رسد بتوان بخشی از پیشینه کهن شهر میمه را در این قسمت مطالعه کرد و از آباد بودن این قسمت از میمه در ادوار گذشته سخن گفت. در سرتاسر این محوطه سرباره‌های فلزی با ساختار شیشه‌ای یافت شده است. به این ترتیب می‌توان از این مکان به عنوان یک کارگاه ذوب فلز یاد کرد. همچنین وجود آجرها و خشت‌های بسیار در کنار سرباره‌ها را می‌توان متعلق به کوره‌ها و بناهای کارگاهی در این قسمت از تپه دانست. برای تاریخ‌گذاری این محوطه، مطالعه تطبیقی - مقایسه‌ای بر روی سفال‌های آن انجام گرفت که با توجه به این مطالعه، استقرار در این محوطه را می‌توان مربوط به دوره ساسانی - صدر اسلام دانست (کاتالوگ و جدول کاتالوگ شماره ۳). با توجه به از بین رفتن قسمت‌های مختلف تپه، از جمله قسمت شمال غربی (محل احداث تالار چندمنظوره میمه)، اظهار نظر قطعی درباره جزئیات بیشتر این محوطه نیاز به کاوش و مطالعات دقیق‌تر باستان‌شناسانه دارد (شکل ۸ و ۹).

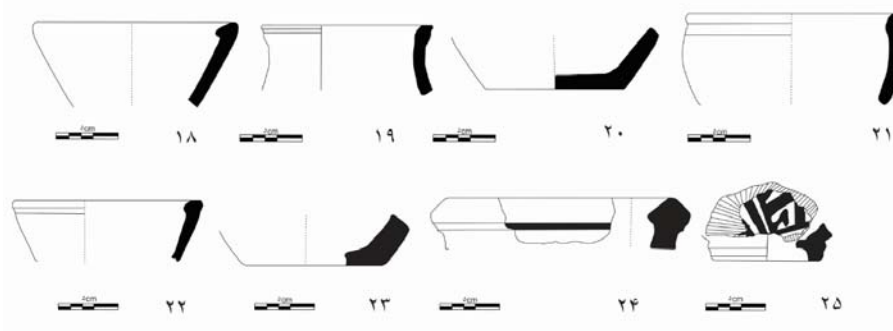
فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۴۵

شکل ۸. محوطه میمه و آثار فلزگری و تکه‌های آجر پخته (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)؛

شکل ۹. محوطه میمه، دید از سمت غرب (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



کاتالوگ شماره ۳. طرح سفالینه‌های محوطه مسجد جامع میمه (شماره ۱۸-۲۵) (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



جدول کاتالوگ شماره ۳: مقایسه تطبیقی سفالینه‌های محوطه مسجد جامع میمه (شماره ۱۸-۲۵)

شماره	توصیفات	منابع مقایسه‌ای
۱۸	لبه و بدنه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز، پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۰، طرح ۴
۱۹	لبه و بدنه (خمیره ؟)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز، پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۷۰، طرح ۷
۲۰	لبه و بدنه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز، پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۳، طرح ۳۴ Alden and Balcer, 1987: ۲۴, type 84

۲۱	لبه و بدنه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	عالی و خسروزاده، ۱۳۸۹: ۲۳، طرح ۱۳؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۴، طرح ۲
۲۲	لبه و بدنه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	Kennet, 2002: ۱۵۶, type ۹۴
۲۳	لبه و بدنه (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۸، طرح ۸۸ امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: ۲۲، طرح ۵
۲۴	لبه (احتمالاً خمیره ذخیره)؛ رنگ خمیره، قهوه‌ای روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، سبز روشن؛ شاموت، ماسه درشت	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۶۷، طرح ۴
۲۵	کف (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، سبز تیره؛ منقوش؛ شاموت، ماسه بادی	چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵، طرح ۳ و ۵، شکل ۲۷

### محوطه وزوان

محوطه باستانی وزوان در شمال شرقی شهر وزوان و در محدوده بین دو شهر میمه و وزوان و در بخش غربی جاده اصلی تهران- اصفهان قرار دارد. این محوطه تاریخی با توجه به عدم رعایت عرصه و حریم لازم، دچار آسیب‌های فراوانی شده است. پراکندگی داده‌های سفالی از دوران تاریخی و اسلامی، بر روی تپه و پیرامون آن بسیار فراوان است. پیشنهاد مطالعاتی این محوطه تنها محدود به گزارش ثبتی این محوطه (بهرامی و احمدی، ۱۳۹۳) و همچنین بررسی‌ها و مطالعاتی است که پورداد در جریان بازدید از این محوطه در سال ۱۳۹۶ انجام داده است (ن.ک. به: پورداد، ۱۳۹۷). بر سطح این محوطه چندین میله قنات (قنات ونداده) عبور کرده است. مطالعات تطبیقی سفال‌های مطالعه شده، گاه‌نگاری پیشنهادی این محوطه را به اواخر عصر ساسانی و صدر اسلام می‌رساند (کاتالوگ طرح سفال و جدول شماره ۴) (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

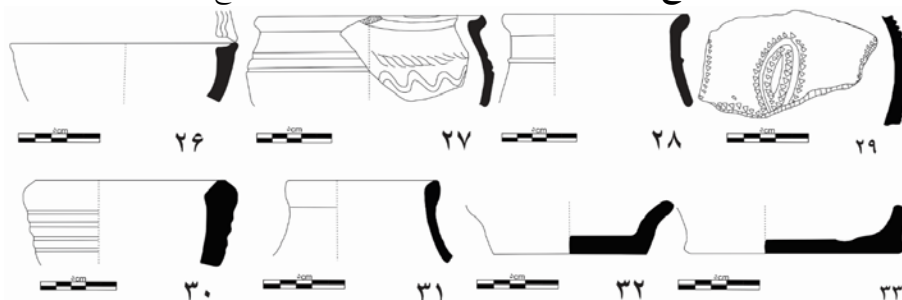


فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۴۷

شکل ۱۰ و ۱۱. عکس هوایی از سطح محوطه وزوان (منبع: google map.com و اعمال تغییرات توسط نگارندگان، ۱۳۹۶) و چشم‌انداز محوطه باستانی وزوان



کاتالوگ شماره ۴. طرح سفالینه‌های محوطه وزوان (شماره ۲۶-۳۳) (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



جدول کاتالوگ شماره ۴. مقایسه تطبیقی سفالینه‌های محوطه وزوان (شماره ۲۶-۳۳)

شماره	توصیفات	منابع مقایسه‌ای
۲۶	لبه ظرف (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز، پخت کامل؛ بدون پوشش؟!؛ شاموت، ماسه بادی با نقش کنده موجی بر روی لبه ناودانی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۸، طرح ۳۸؛ لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۱، طرح ۱
۲۷	لبه و بدنه ظرف (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش، لعاب گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی؛ منقوش با نقوش کنده به صورت موجی و طنابی	لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۳، طرح ۹ Kennet ۲۰۰۲: ۱۵۷، Ttype: ۸۱
۲۸	لبه ظریف (خمیره)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز، پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	Priestman: ۲۰۱۳: ۴۸۲، e,m, ۰۰۴,۱ رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۱، طرح ۲۴

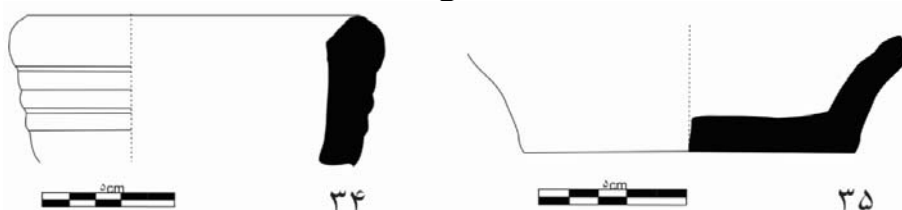
شماره	توصیفات	منابع مقایسه‌ای
۲۹	لبه ظریف (خمیره)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل، پوشش لعاب، گلی رقیق، شاموت، ماسه بادی	عالی و خسروزاده، ۱۳۸۹: ۹۱، طرح ۶
۳۰	کف (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت ماسه بادی	امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن: ۱۳۹۱: ۲۲، طرح ۱
۳۱	کف ظریف (طشت)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق، شاموت، ماسه بادی	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۴، طرح ۲۰۹s.s
۳۲	بدنه ظرف (احتمالاً کوزه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی؛ منقوش با نقوش کنده	
۳۳	لبه (خمیره)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ کیفیت، خشن؛ احتمالاً دست‌ساز، پخت کامل، پوشش لعاب، سبز روشن؛ شاموت، ماسه بادی	عالی و خسروزاده، ۱۳۸۹: ۵۷، طرح ۹

### محوطه جوشقان قالی

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، در شمالی‌ترین نقطه دشت میمه شهر تاریخی جوشقان قالی قرار گرفته است که براساس یافته‌های محدود میدانی، احتمالاً پیشینه‌ای مربوط به اواخر عصر ساسانی و صدر اسلام دارد (کاتالوگ و جدول شماره ۵). این محوطه تاریخی که در جنوب غربی این شهر قرار دارد، در جریان توسعه شهری که طی چند سال گذشته در شهر رخ داده، به صورت کامل در زیر بافت فعلی شهر مدفون شده است؛ به همین دلیل تنها آثار محدودی از مواد فرهنگی (سفال) را به سختی می‌توان از بین منازل یافت.

### کاتالوگ شماره ۵. طرح سفالینه‌های محوطه باستانی جوشقان

(شماره ۳۴ و ۳۵)، (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)



جدول کاتالوگ شماره ۵. مقایسه تطبیقی سفالینه‌های محوطه باستانی جوشقان (شماره ۳۴ و ۳۵)

شماره	توصیفات	منابع مقایسه‌ای
۳۴	لبه ظریف (خمیره)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۵۷، طرح ۹ امیری، موسوی کوهپیر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: ۲۳، طرح ۱۹
۳۵	کف (کاسه)؛ رنگ خمیره، نخودی روشن؛ چرخ‌ساز؛ پخت کامل؛ پوشش لعاب، گلی رقیق؛ شاموت، ماسه بادی	امیری، موسوی کوهپیر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: ۲۲، طرح ۱

### ارزیابی

آن‌گونه که دیده شد، مطالعات میدانی صورت گرفته در این دشت به شناسایی محوطه‌های باستانی منجر شد که ذکر آنها رفت. گاه‌نگاری سفال‌های به دست آمده نشان داد که محوطه‌های این دشت به دوره ساسانی و صدر اسلام تعلق دارند و با توجه به مقایسه سفالینه‌ها و مطالعات تاریخ‌گذاری که انجام شده، مشخص شده است که تمام این محوطه‌ها در یک بازه زمانی (صدر اسلام) متروک شده‌اند. به نظر می‌رسد این همزمانی مربوط به وقوع زمین‌لرزه‌هایی باشد که پیشتر به عنوان یک فرضیه برای متروک شدن استقرارهای دشت به آن اشاره شده است. در ادامه، به شواهد بیشتر این زمین‌لرزه در منطقه مورد مطالعه پرداخته شده است.

### شواهد زمین‌شناسی زلزله

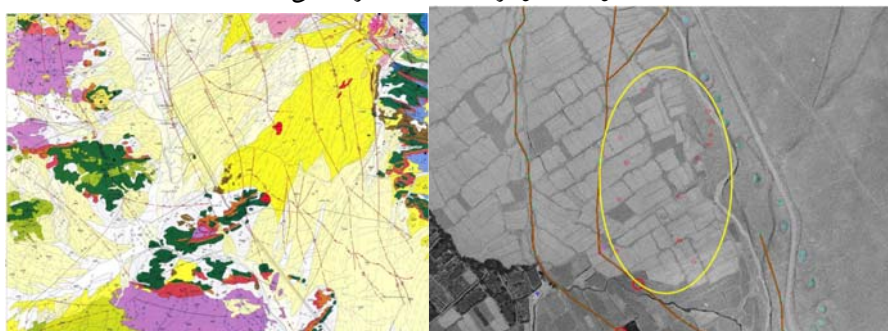
در بررسی زمین‌لرزه‌های رخ داده در هر موقعیت جغرافیایی، باید به بررسی گسل‌های موجود در منطقه نیز پرداخت تا مشخص شود که آیا در منطقه مورد مطالعه، به لحاظ زمین‌شناسی اساساً امکان بروز زلزله وجود دارد یا خیر. در شکل شماره ۱۲ که مربوط به نقشه زمین‌شناسی منطقه است، به روشنی مشخص شده است که دشت میمه دارای چندین گسل فعال است که اتفاقاً از نزدیکی استقرارهای مورد مطالعه عبور کرده و می‌توانست در طول تاریخ خطراًفرین باشد. از طرفی، با توجه به اینکه صفحات زمین به مانند قطعات پازل کنار هم قرار گرفته‌اند و بیشتر قنات‌ها نیز به علت طول زیاد، چندین صفحه را می‌شکافتند و در دل چندین صفحه حفر می‌شدند، وقوع زلزله‌های سهمگین باعث لغزش صفحات زمین می‌شد و در مسیر قنات

انحراف ایجاد می‌کرد و باعث مسدود شدن مسیر کوره‌های قنات می‌شد (ن.ک. به: صحبتی و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). بعد از این اتفاق، مقنیان از سمت مظهر به مانند حفر اولیه یک قنات، پای در کوره می‌گذاشتند و از محل ایجاد گرفتگی، به حفر دوباره کوره اقدام می‌کردند و بعد از پشت سر گذاشتن چندین متر، دوباره ارتباط کوره با بالادست را برقرار می‌کردند؛ به همین دلیل در قسمتی از مسیر کوره‌قنات، می‌توان چند میله بی‌استفاده و غیرمرتبط با بالادست را مشاهده کرد که به صورت یک رشته مجزا، اما کوتاه به کوره و رشته اصلی متصل شده‌اند. در منطقه مورد مطالعه نیز قنات متعددی وجود دارد. از جمله این قنات، قنات حاجی‌آباد، قنات مزدآباد میمه و قنات عمومی وزوان است که یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین قنات‌ها همان قنات عمومی وزوان است. در شکل ۱۳ که مربوط به دو رشته شرقی قنات عمومی وزوان است، می‌توان شکستگی در کوره‌قنات را دید که احتمالاً گواه همین انحراف به واسطه جابه‌جایی صفحات زمین منطقه است.

شکل ۱۲. دشت میمه به همراه خط گسل‌های موجود در دشت (سازمان زمین‌شناسی، ۱۳۸۲)؛

شکل ۱۳. میله‌های متروک شده قنات عمومی وزوان در کنار میله‌های ثانویه

(مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، [بی‌تا])



#### بررسی شواهد باستان‌شناسانه زمین‌لرزه یاد شده در محدوده مورد مطالعه

بدون شک در زمینه تحقیقات باستان‌شناسانه هرگونه پژوهشی بدون اتکا به نتایج کاوش‌های انجام شده در آن محدوده، ناقص و مورد تردید است؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر نیز نگارندگان خود را از بررسی دوباره و ریزبینانه کاوش‌های انجام شده در محدوده‌ای که در دایره تأثیر زمین‌لرزه یاد شده قرار داشته‌اند، ناگزیر دیده‌اند. از جمله این کاوش‌ها، می‌توان به ترتیب به کاوش‌های انجام شده توسط محسن جاوری در آران و بیدگل (آران و هراسکان<sup>۱</sup>)،

۱. با توجه به مطالعه متون از جمله تاریخ کاشان، در قرن چهارم قمری نام اصلی شهر مقابل هراسکان آران بیان شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۱۴). همچنین طبق گفته ضرابی در تاریخ کاشان، متروک شدن این دو شهر به‌خصوص

عباسعلی احمدی در تپه نماز گز و کاوش تعیین حریم چهری در کرج اشاره کرد. تمام کاوش‌های یاد شده، به داده‌های صدر اسلام دست یافته‌اند و شواهدی از وقوع زمین‌لرزه‌های مهیب در سده‌های آغازین قمری را نشان داده‌اند. برای مثال، جاوری در جریان کاوش‌های صورت گرفته در محوطه یاد شده، به چهارتاقی ساسانی دست یافته که یکی از دیواره‌های این چهارتاقی از بین رفته و هیچ اثری از این دیواره یافت نشده است؛ تا جایی که کاوشگر این محوطه گفته است: «پلان چهارتاقی به صورت فرضی ترسیم شده است» (جاوری، ۱۳۸۹: ۱۰۹). البته از دیگر عواملی که می‌تواند در نابودی یک دیواره نقش داشته باشد، عامل طبیعی مثل سیل است که با توجه به عدم وجود نشانه‌ای از سیلاب -نظیر رسوب‌گذاری- می‌توان نقش این عامل در انهدام این دیوار را رد کرد. در کاوش‌های احمدی در تپه نماز شهر گز نیز آثار فراوانی از وقوع زلزله یاد شده را می‌توان یافت. از جمله این آثار می‌توان به قبور بدون سازه اشاره کرد که طبق نظر کاوشگر این محوطه مربوط به بازه زمانی ساسانی و صدر اسلام است که بر روی بسیاری از این اجساد آوار ریخته شده و بیشتر استخوان‌های موجود دچار شکستگی شده است. تقریباً در همه گمانه‌های ایجاد شده در عمق ۱۴۰- تا ۱۸۰ سانتی‌متری، بر روی بیشتر اجساد آوار ریخته شده است و یا نشانه‌هایی از ریزش آوار دیده می‌شود (ن.ک. به: احمدی، ۱۳۹۳: ۱/صفحات متعدد). از جمله اصلی‌ترین دلایل موضوع را باید زمین‌لرزه به حساب آورد؛ آنچنان‌که دکتر نگهبان در تپه سگزاباد، چنین شواهدی را دال بر وقوع زلزله دانسته است (صحبتی و فتاحی، همان، ۱۲۱). هرچند که در بیشتر مواقع بازماندگان بعد از زمین‌لرزه نسبت به خارج کردن اجساد از زیر آوار اقدام می‌کرده‌اند، اما درباره زمین‌لرزه‌های سهمگین به علت حجم زیاد آوار و تلفات، احتمالاً این امر کمتر اتفاق می‌افتاده است. از دیگر محوطه‌های مورد مطالعه، باید به محوطه امامزاده قاسم ماهدشت کرج اشاره کرد که در سال ۱۳۹۷ توسط چهری کاوش شده است. با وجود محدودیت کاوش، به واسطه ماهیت کار (کاوش تعیین حریم)، شواهد جزئی از بروز زمین‌لرزه در این محوطه نیز گزارش شده است. از جمله این نشانه‌ها باید به یافته شدن تکه‌ای از استخوان فمور(ران) یا تیبیا (درشت نی یا ساق پا) اشاره کرد که بر روی کوره افتاده و آجری نیز بر روی استخوان افتاده بود. از طرفی در بیشتر گمانه‌های ایجاد شده، در سمت جنوب محوطه آثاری از تخریب چینه یافت شده است که به صورت شیب‌دار از سمت غرب به شرق کشیده شده‌اند که می‌تواند گویای تخریب این چینه‌ها در جریان زمین‌لرزه یادشده باشد (ن.ک. به: چهری، ۱۳۹۷). در واقع، در مطالعه باستان‌لرزه‌شناسی از جمله شواهد وقوع زلزله در محوطه‌های باستانی، تخریب سازه‌ها در یک

---

هراسکان، هیچ ارتباطی با خشکسالی ندارد. بیشترین آسیب در زمان هجوم سلاجقه به این شهر وارد شده، اما با وجود این طبق وقفنامه‌ای که از این شهر به تاریخ ۷۰۳ق. گزارش شده، مشخص است که این شهر تا این تاریخ نیز حیات داشته است (ضرابی، ۱۳۷۸: ۴۸۷).

جهت مشخص است؛ خواه این سازه ستون‌های یک بنا باشد و خواه دیواره‌های یک سازه (صحتی و فتاحی، همان، ۱۱۴). نگارندگان درباره ادعاهای مطرح شده در مورد این محوطه، به علت نوع عملیات کاوش که باعث شده است اطلاعات به دست آمده محدود باشد، جانب احتیاط را رها نکردند و تمام موارد مطرح شده درباره این محوطه را با احتیاط مطرح کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

در میانه قرن سوم هجری زلزله یا زلزله‌هایی سهمگین محوطه‌های دشت میمه اصفهان را ویران کرده و باعث وارد آمدن تلفات بی‌شمار به این نواحی شده است. به احتمال زیاد علت اصلی متروک شدن محوطه‌های باستانی این دشت، از جمله رباط آغاکمال، ازان، وزوان، میمه و جوشقان قالی که همگی طبق مطالعه سفالینه‌ها مربوط به صدر اسلام هستند، همین زلزله‌ها بوده است که متون و شواهد میدانی نیز به وقوع آن گواهی می‌دهند. البته آن‌چنان‌که دیده می‌شود، در پیوند همه استقرارهای تخریب‌شده، دوباره شهر یا محوطه‌هایی ساخته شده که تا عصر حاضر به بقای خود ادامه داده‌اند. در علت‌یابی این موضوع باید گفت شکل‌گیری و بقای شهرها در ایران، به صورت کامل برگرفته از عواملی است که می‌توان از اصلی‌ترین آنها به نقش راه، منبع دائمی آب و زمین مناسب برای کشاورزی اشاره کرد. تمامی شاخص‌های یادشده، امکان تغییر مکان محسوس به شهرهای تخریب شده در اثر زلزله را نمی‌دهد؛ زیرا شهرهای ایران در مسیرهای تجاری و مواصلاتی، به سبب ایجاد امکان حرکت برای کاروانیان اهمیت دارند؛ از طرفی بقای خود شهرها نیز در پیوند با راه است. همچنین اگر به نقش آب نگاه کنیم، باید بگوییم با توجه به اینکه بسیاری از شهرهای ایران -از جمله شهرهای مورد مطالعه- در محدوده‌ای قرار دارند که بقای آنها در گرو فعالیت قنات است و از طرفی کندن کاریز امری زمان‌بر و هزینه‌زا است؛ به همین دلیل ساکنان شهرهای تخریب شده مجبور بوده‌اند در مکان قبلی و یا در نزدیکی استقرار قبلی، استقرار جدید را بسازند و برای بازسازی خرابی‌های احتمالی کوره و یا میله‌های قنات و لایروبی آن بکوشند؛ زیرا این عمل بسیار کم‌هزینه‌تر از حفر یک یا چند رشته قنات جدید است. از طرفی، با توجه به اینکه کشت و زرع بخش اصلی معیشت مردمان ایران بوده و به سبب ارتباط تنگاتنگی که بین مظهر قنات و مکان‌یابی زمین‌های کشاورزی وجود دارد، پس در عمل امکان جابه‌جایی آن‌چنانی زمین‌های کشاورزی نیز وجود ندارد. از تمامی مطالب پیش‌گفته چنین برمی‌آید که امکان جابه‌جایی شهرها در فاصله‌های زیاد وجود ندارد و اساساً بعد از زلزله‌های سهمگین، مردمان این شهرها مجبور بوده‌اند بر روی آوار، استقرار جدید را بسازند و یا اینکه شهر تخریب شده را رها کنند و در نزدیکی آن شهر جدید را بسازند تا از شاخص‌هایی که شهر سابق به آن وابسته بوده

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۵۳

است، بی بهره نمانند. در نهایت، باید گفت انجام مطالعات میان‌رشته‌ای و کاوش‌های باستان‌شناختی در منطقه مورد بحث، به خوبی می‌تواند پاسخی مطمئن‌تر از آنچه که متکی بر یافته‌های سطحی است، به دست دهد.

### منابع و مأخذ

- ابن‌اسفندیار، محمدبن حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.
- ابن‌تغری بردی، یوسف (۱۳۹۲ق)، *النجوم الزاهرة فی الملوك مصر و القاهرة*، ج ۲، قاهره: وزارة الثقافة و ارشاد القومي، مؤسسة مصریة عامه.
- ابن‌جوزی، أبو‌الفرج عبدالرحمن (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك*، تصحیح محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱۴، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۱)، *مسالك الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی ملل.
- ابن‌رسته، احمدبن عمر (۱۳۶۵)، *اعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۹۳)، *گزارش کاوش باستان‌شناسی تپه نماز، ج ۱، ۲*، اصفهان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- اروچی، بلال (۱۳۹۰)، «پهنه‌بندی کیفی آب‌های میمه اصفهان جهت مصارف شرب و کشاورزی با استفاده از GIS»، *دومین همایش علوم زمین نکوداشت استاد پیشگام علم زمین‌شناسی ایران* دکتر عبدالکریم قریب، مرکزی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌بن علی (۱۳۶۷) *مرآة البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- اعراب، علی و سید ایرج بهشتی (۱۳۹۶)، «بررسی فلزگری کهن در بخش میمه اصفهان، با تکیه بر پتروگرافی سرباره‌های فلزی»، *فصلنامه علمی اثر*، شماره ۷۹، صص ۱۷-۲۸.
- امبرسیز، ن. ن. و چ. پ. ملویل (۱۳۷۰)، *تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- امیری، مصیب، سید مهدی موسوی کوهپر و فرهنگ خادمی ندوشن (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های ساسانی بیشاپور (مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱-۳۲.
- بهرامی، امیر و هادی احمدی (۱۳۹۳)، *گزارش ثبتی محوطه باستانی وزوان*، اصفهان: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
- بیهقی، علی‌بن زید (۱۴۲۵)، *تاریخ بیهقی*، تعریب یوسف هادی، دمشق: دار اقرأ للطباعة و النشر و التوزیع.

- پاکزاد، عباس علی (۱۳۶۳) اوضاع اقتصادی بخش میمه و امکانات توسعه آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- پورداد، حمید (۱۳۹۷)، «تحلیل نقش قنات سددار عمومی و قنات حاجی‌آباد در شکل‌گیری وزوان و استقرارهای تابعه این شهر با پیشنهادی بر گاه‌نگاری نسبی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- جاوری، محسن (۱۳۸۹)، «فضا و جامعه شهرهای ایران در دوره انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی (مطالعه موردی: ویگل و هراسگان)»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- چوبک، حمیده (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۸۴-۱۱۲.
- چهری، محمد اقبال (۱۳۹۷)، گزارش کاوش باستان‌شناسی تپه امامزاده قاسم کرج، تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری [منتشر نشده].
- حیدریان، زهره و فرزانه ساسان‌پور (۱۳۹۲) «ارزیابی اکوتوریسم تالاب گاوخونی اصفهان به روش SWOT، دو مین همایش ملی مقابله با بیابان‌زایی و توسعه پایدار تالاب‌های کویری ایران.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی (۱۳۸۴)، «توصیف طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان زنجان»، مجموعه مقالات باستان‌شناسی شمال غرب ایران، به کوشش مسعود آذرنوش، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۷۰-۴۵.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه علی‌محمد فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، ج ۱۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمد (۱۴۱۳)، تاریخ الاسلام و الوفيات مشاهیر و الأعلام، تصحیح عمر عبدالسلام تدمری، ج ۱۸، بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الثانية.
- رابینو، یاسنت لویی (۱۳۸۳)، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- راوندی، ابورضا (۱۳۳۴)، دیوان، تصحیح سید جلال‌الدین ارموی (محدث)، تهران: مجلس.
- رهبر، مهدی (۱۳۸۲)، سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه، تهران: پازینه.
- زرگری، رحمت‌الله (۱۳۷۴)، تاریخ فرهنگ و هنر جوشقان قالی، تهران: معینان.
- سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور (۱۳۸۲)، گزارش زمین‌شناسی ورقه ۱۰۰۰۰۰، امیمه.
- سیرو، ماکسیم (۱۳۵۷)، راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ترجمه مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شاکری، رمضانعلی (۱۳۶۵)، ترک‌نامه، تهران: امیرکبیر.
- شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر [بی‌تا]، بستان‌السیاحه، تهران: سنایی.



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۵۵

- صحبتی، رضا و مرتضی فتاحی (۱۳۸۹)، «امکان کاربرد باستان‌لرزه‌شناسی در ایران»، مجله فیزیک زمین و فضا، دوره ۳۶، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۱۱.
- ضرابی، عبدالرحیم بن محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، *تاریخ کاشان*، تهران: امیرکبیر.
- عالی، ابوالفضل و علیرضا خسروزاده (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، «قلعه قشلاق؛ محوطه بزرگ اشکانی در ماهنشان زنجان»، *دوفصلنامه تحلیلی پژوهشی باستانشناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان‌رشته‌ای*، سال دوم، شماره ۳، صص ۷۶-۹۲.
- عزالدوله و ملکونوف (۱۳۶۳)، *سفرنامه ایران و روسیه*، تصحیح محمد گلبن و فرامرزی طبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- عون الهی، سیدآغا (۱۳۷۸)، *تاریخ پانصد ساله تبریز*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، تهران: توس.
- لباف خانیکی، میثم (۱۳۸۷)، «سفال ساسانی شمال شرق ایران (طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل براساس ویژگی های شکلی)»، *مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۹، شماره ۱۸۴-۱۸۶، صص ۱۴۳-۱۷۷.
- لطفی، صدیقه، فرزانه احمدی و رحیم غلام‌حسینی (تابستان ۱۳۹۱)، «تحلیل شبکه شهری و توزیع فضایی جمعیت در کانون‌های شهری استان مازندران»، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، سال دوم، شماره مسلسل چهارم، صص ۱-۱۸.
- محمدی‌فر، یعقوب و الناز طهماسبی (پائیز و زمستان ۱۳۹۳)، «طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره (مطالعه موردی: قلعه سیرم شاه)»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۷، صص ۱۳۳-۱۵۲.
- مرجانی، عبدالله بن عبدالملک (۲۰۰۲)، *بهجة النفوس و الاسرار فی تاریخ دار الهجرة النبوی المختار*، تصحیح محمد عبدالوهاب فضل، بیروت: دار الغرب اسلامی.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۷)، *گرگان و استرآباد؛ سنگ مزارها و کتیبه‌ها*، تهران: حروفیه.
- مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰)، *إمتاع الأسماع*، تصحیح محمد عبدالحمید نمیری، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران (بی‌تا)، *طرح مطالعه قنات عمومی وزوان*.
- یعقوبی، احمد بن واضح (۱۳۴۳)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، *خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان.

۵۶ / تحلیلی بر نقش زلزله در متروک‌سازی استقرارهای ... / محمداسماعیل اسمعیلی جلودار و ...

- Alden, John R. and Jack Martin Balcer (1987), "Excavations at Tal-i Malyan", *Iran*, Vol.16, pp.79-92.
- Kennet, D (2033), "Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia", *Iran*, vol.40, pp.153-162.
- Melville, Charle (1980), "Earthquakes in the History of Nishapur", *Iran*, Vol. 18, pp.103-120.
- Priestman, Seth. m. n (2013), sasanian ceramic form the gorgan wall and other site on the Gorgan plain, in: *Persia's Imperial Power in Late Antiquity, The Great Wall of Gorgan and frontier landscapes of Sasanian Iran* by: Sauer, E.W. Rekavandi, H.O, Wilkinson, T.J. et al, British Institute of Persian Studies Archaeological Monograph Series II, Oxbow: Oxford.

تارنما

[www.maps.google.com](http://www.maps.google.com)

**List of sources with English handwriting**

- Aḥmadī, ‘Abbas ‘Alī (1393 Š.), *Gozārišhā-ye Kāvošha-ye Bāstānšīnāsī-ye Tapa Namāz*, Vols. 1, 2, Isfahan: Sāzmān-e Mīrāt-e Farhangī, Šanāy‘i Dastī va Gardišgarī. [In Persian]
- ‘Alī, Abulfazl; ‘Alīrezā kosrozāda (1389 Š.), “Qal‘a Qišlāq; Moḥavāṭa-ye Bozorg-e Aškānī dar Māhnišān-e Zanjān”, *Do Fašlnāma-ye Tahliīlī Pejūhišī Bāstānšīnāsī, Tārīk-e Honar va Moṭāliāt-e Mīānrištān*, 2, No. 3, pp. 76-92. [In Persian]
- Amīrī, Moṣayib, Sayyid Mahdī Mūsavī Kūhpar, Farhang kādimī Nodūšan (1391 Š.), “Tabaqabandī va Gūnašīnāsī-e Sofālhā-ye Sāsānī-e Bīšāpūr (Moṭāla‘a-ye Moradī: Sofālhā-ye Fašl-e Nohom-e Kāvoš)”, *Moṭāliāt-e Bāstānšīnāsī*, 4, No. 1, Spring- Summer, pp. 1-22. [In Persian]
- A‘rāb, ‘Alī, Sayyid Irāj Bihištī (1396 Š.), “Barrasī-e Filizgarī-e Kohan dar baḫša Mīma-ye Esfahān, ba takya bar Petrografi-e Sarbārihā-ye Filizī”, *Fašlnāma-ye ‘Elmī-e Aṭar*, No. 79, pp. 17-28. [In Persian]
- Bahrāmī, Amīr; Hādī Aḥmadī (1393 Š.), *Gozāriš Tabtī-e Moḥavāṭa-ye Bāstānī-e Vazvān*, Isfahan: Edāra-ye Kola Mīrāt-e Farhangī, Gardišgarī va Šanāy‘ Dastī. [In Persian]
- Bihaqī, ‘Alī b. Zeid (1425), *Tārīk-e Bihaq*, edited by Yusef Hādī, Damascus: Dār Aqrā liṭṭabā‘a va al-Našr va al-Tozi‘.
- Čihri, Moḥammad Eqbāl (1397 Š.), *Gozariš-e Kāvoš-e Bāstānšīnāsī-ye Tapa Emāmzāda Qāsim Karāj*, Tehran: Sāzmān-e Mīrāt-e Farhangī, Šanāy‘ Dastī va Gardišgarī (unpublished). [In Persian]
- Čubak, Ḥamiūda (1391 Š.), “Sofālinahā-ye Dorān-e Eslāi-ye Šahr-e Kohan-e Ĵiroft”, *Majāla-ye Moṭāli‘āt-e Bāstānšīnāsī*, 4, No. 1, Spring- Summer, pp. 84-112. [In Persian]
- Dihkodā, ‘Alī Akbar (1377 Š.), *Loḡatnāma*, Vol. 11, Tehran: Entišārāt-e Dānišgāh-e Tihrān. [In Persian]
- Etimād al-Saltāna, Moḥammad Ḥasan b. ‘Alī (1367 Š.), *Mīrāt al-Boldān*, edited by ‘Abdulḥossein Navāī, Mīrḥāšim Moḥadiṭ, Tehran: Dānišgāh-e Tihrān. Ibn Esfandīār, Moḥammad b. Ḥasan (1366 Š.), *Tārīk-e Ṭabaristān*, edited by ‘Abbas Eqbāl Ašīfānī Tehran: Padīda kāvar. [In Persian]
- ‘Ez al-Dola, Melkonov (1363 Š.), *Safarnma-ye īrān va Rūsīa*, edited by Moḥammad Golbon va Farāmarz Ṭibbī, Tehran: Donyā-ye Kitāb. [In Persian]
- Ḥaidariān, Zohra; Farzāna Sāsānpūr (1392 Š.), “Arzyābi-e Ekotorism-e Tālāb-e Gāvčkūnī-e Esfahān bi raviš-e SWOT”, *Dovvomīn Hamāyiš-e Milli-e Moqābila bā Biābānzāī va Tosi‘a-ye Pāydar-e Tālābhā-ye Kavīrī-e Irān*. [In Persian]
- Ibn Jozi, Abulfaraj ‘Abdulrahmān (1412), *al-Montazam fi Tārīk al-Omam va al-Molūk*, edited by Moḥammad ‘Abdulqādir ‘Aṭā, Mošṭafā ‘Abdulqādir ‘Aṭā, Vol. 14, Dār al-Kotob al-Elmīya. [In Persian]
- Ibn kurdābih, ‘Obiydallah b. ‘Abdullah (1371 Š.), *Masālik va Mamālik*, translated by Saīd kākrand, Tehran: Moasisa Moṭāli‘āt va Entišārāt-e Tārīkī-e Milal. [In Persian]
- Ibn Rusta, Aḥmad b. ‘Omar (1365 Š.), *Alāq al-Nafīsa*, translated by Ḥossein Qaračānlū, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Ibn Taḡrī Bardī, Yūsef (1392), *Al-Nojūn al-zāhira fi al-Molūk al-Qāhira*, Vol. 2, Cairo: Vizārata va Eršād al-Qomī, Moasisa Mišrīya ‘Āmma.
- Ĵaravī, Moḥsin (1389 Š.), *Fazā va Ĵāma‘a-ye Šahrhā-ye Irān dar dora-ye Entiqāl az Sāsānīān bi Qorūn-e Avvalīya Eslāmī (Moṭāli‘a-e Moridi: Vigol va Harāsgān)*, PhD. Thesis, Dānišgāh-e Tihrān. [In Persian]
- kosrozāda, ‘Alīrezā; Abulfazl ‘Alī (1384 Š.), “Tošīf-e Tabaqabandī va Tahliīl-e Gūnašīnāktī-e Sofālhā-ye Dorān-e Aškānī va Sāsānī-e Mantaqa-ye Māhanšān-e Zanjān”, *Majmu‘a Maqālāt-e Bāstānšīnāsī-e Šomāl-e Ġarb-e Irān*, edited by Mas‘ud Āzarnuš, Tehran: Našr-e Sāzmān-e Mīrāt-e Farhangī va Gardišgarī, pp. 45-70. [In Persian]
- Labāf kānikī, Meītam (1387 Š.), “Sofāl-e Sāsānī-e Šomāl-e Šarq-e Irān (Tabaqabandī, Moqāyasa va Tahliīl bar Asās-e Vižgīhā-ye Šiklī)”, *Majāla-ye ‘Elmī- Pejūhišī Dāniškada-ye Adabiāt va ‘Olūm-e Ensānī Dānišgāh-e Tihran*, 59, No. 184-186., 00. 143-177. [In Persian]
- Lotfī, Šidīqa; Farzāna Aḥmadī; Raḥīm Ġolām Ḥosseinī (1391 Š.), “Tahliīl-e Šabaki-ye Šahrī

- va Tozī'a Faṣāī-e Ĵam'iat dar Kānūnhā-ye Šahrī-e Ostān-e Māzandarān", *Maĵala-ye Āmāyiš-e Joġrāfiāī-e Faṣā*, 2, No. 4, pp. 1-18. [In Persian]
- Marĵānī, 'Abdullah b. 'Abdulmalik (2002), *Bihĵat al-Nofūs va al-Asrār fi Dār al-Hijrat al-Nabī al-Moktār*, edited by Moĥammad 'Abdulvahāb Faṣl, Beirut: Dār al-Ġarb Eslāmī.
  - Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aĥmad b. 'Alī (1420), *Emtā 'al-Asmā'*, edited by Moĥammad 'Abdulḥamīd Namīsī, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīā.
  - Ma'tūfī, Asadallah (1387 Š.), *Gorgān va Estarābād; Sang-e Mazārḥā va Katībahā*, Tehran: Horūfā. [In Persian]
  - Moĥammadīfar, Yaqūb; Elnāz Ṭahmāsbī (1393 Š.), "Tabaqābandī-ye Sofāl-e Sāsānī-e Daray-e Simara (Moṭāla'a-ye Moridī: Qal'a-ye Sirom Šāh)", *Peĵūhišhā-ye Bāstānšīnāsī-e Īrān*, 4, No. 7, pp. 133-152. [In Persian]
  - Orūĵī, Bilāl (1390 Š.), "Panābandī-ye Kayfī-e Ābhā-ye Meima-ye Esfahān ĵahat-e Mašārifa Šorb va Kišāvarzī ba Edtefāda az GIS", *Dovvomīn Hamāyiš-e Olīm-e Zamīn, Nikūdāst-e Ostād-e Pīšgām-e 'Elm-e Zamīnšīnāsī-e Īrān Doktor 'Abdulkarīm Qarīb*, Markazī. [In Persian]
  - 'Oun Elāhī, Sayyid Āqā (1378 Š.), *Tārīk-e Pānšādsāla-ye Tabrīz*, translated by Parvīz Zārī 'Šāhmīrsī, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
  - Pākzād, 'Abbas 'Alī (1363 Š.), *Ozā'e Eqtīšādī-e Baḳš-e Mima va Emkānāt-e Tosa'e Ān*, MA Thesis, Dānišgāh-e Tīhrān. [In Persian]
  - Pūrdāvūd, Ḥamīd (1397 Š.), *Tahlīl-e Naqš-e Qanāt-e Saddār-e Omūmī va Qanāt-e Ḥāĵīābād dar Šiklgīrī-e Vozrān va Estīqrārḥā-ye Tāba'e īn Šahr ba Pīšnādhādī bar Gāhniġārī-e Nisbī-e Ān*, MA Thesis, Dānišgāh-e Tīhrān.
  - Qazvīnī, Zakarīā b. Moĥammad (1373 Š.), *Āṭār al-Bilād va AḳbAr al-'Ebād*, translated by Mīrzā Jahāngīr Qāĵār, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
  - Qomī, Ḥasan b. Moĥammad (1361 Š.), *Tārīk-e Qom*, Tehran: Tūs. [In Persian]
  - Rahbar, Mahdī (1382 Š.), *Sevvomīn Faṣl-e Kāvōshā-ye Bāstānšīnāsī-e ḳorha*, Tehran: Pāzīna. [In Persian]
  - Rāvandī, Aburezā (1334 Š.), *Dīvān*, edited by Sayyid Ĵalāl al-Dīn Ermavī (Moĥadīt), Tehran: Maĵlis. [In Persian]
  - Sāzmān-e Zamīnšīnāsī va Ektīšāfāt-e Madanī-e Kišvar (1382 Š.), *Gozariš-e Zamīnšīnāsī Varaqa 1, 100,000 Mima*. [In Persian]
  - Šākīrī, Ramažān 'Alī (1365 Š.), *Atraknāma*, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
  - Šīrvānī, Zein al-'Ābidīn b. Eskandar (), *Bostān al-Sīāha*, Tehran: Sanāī. [In Persian]
  - Šoĥbatī, Rezā; Mortazā Fatāhī (1389 Š.), "Emkān Kārbord-e Bāstān Larzašīnāsī dar Īrān", *Maĵala-ye Fīzīk-e Zamīn va Fazā*, 36, No. 4, pp. 111-129. [In Persian]
  - Ya'qūbī, Aĥmad b. Vāsiḥ (1343 Š.), *Tārīk-e Yaqūbī*, translated by Ebrāḥīm Āyatī, Vol. 2, Tehran: Bongāh-e Tarĵoma va Našr-e Kitāb. [In Persian]
  - Zāhbī, Šams al-Dīn Moĥammad b. Aĥmad (1413), *Tārīk al-Eslām va al-Vafīāt Mašāḥīr va al-'Alām*, edited by 'Omar 'Abdulsalām Tadmorī, Vol. 18, Beirut: Dār al-Kotob al-'Arabī.
  - Zargārī, Raḥmatallah (1374 Š.), *Tārīk-e Farhang va Honar-e Jošaḳān Qālī*, Tehran: Mo'īnīān. [In Persian]
  - Zārābī, 'Abdulraḥīm b. Moĥammad Ebrāḥīm (1378 Š.), *Tārīk-e Kāšān*, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]

#### References in English and French

- Alden, John R. and Jack Martin Balcer (1987), "Excavations at Tal-i Malyan", *Iran*, Vol. 16, pp. 79-92.
- Ambraseys, N. N.; C. P. Melville (2005), *A History of Persian Earthquakes*, Cambridge University Press.
- Chardin, Jean (1972), *Sir Jean Chardin's Travel in Persia*, with an introduction by Percy Sykes, New York: AMS Press.
- D'Allemagne, Henry Rene (1911), *Du Khorassan au pays des Backhtiaris, trois mois de voyage en Perse*, Paris: Hachette.
- Kennet, D. (2003), "Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia", *Iran*, Vol. 40, pp. 153-162.
- Melville, Charles (1980), "Earthquakes in the History of Nishapur", *Iran*, Vol. 18, pp. 103-120.

- Priestman, Seth (2013), "Sasanian Ceramics from the Gorgan Wall and Other Sites on the Gorgan Plain", in Sauer, E.W., Reikavandi, H.O., Wilkinson, T.J. et al., *Persia's Imperial Power in Late Antiquity, The Great Wall of Gorgan and frontier landscapes of Sasanian Iran*, British Institute of Persian Studies Archaeological Monograph Series II, Oxbow: Oxford, 447-534.
- Rabino, H. L. (1928), *Mazandaran and Astarabad*, E. J. Gibb Memorial New Series.
- Siroux, Maxime (1971), *Ancienne voies et monuments routiers de la region d'Ispahan*, Le Caire: Presses de L'Institut Francais d'Archeologie Oriental.
- Yate, Charles Edward (1900), *Khurasan and Sistan*, Edinburgh: William Blackwood and Sons.

**Website**

- [www.maps.google.com](http://www.maps.google.com)

**An analysis on the role of making the establishment of earthquake in the  
desolate plain index for meymeh (Isfahan) in Islam<sup>1</sup>**

Mohammad Esmaeil Esmaeili Jelodar<sup>2</sup>  
Hamid Poordavood<sup>3</sup>  
Ahmad Salehi kakhki<sup>4</sup>

Received: 2020/04/03  
Accepted: 2020/10/15

**Abstract**

Iran's seismicity has historically destroyed many settlements and cities, even the historio-geographical texts have noticed. According to these texts, in some cases of extensive damage and destruction of the city, reconstruction or continuation of that settlement in the same place was not possible. This is why the survivors of these devastating earthquakes have inevitably built a new settlement in conjunction with the vital factors that each city is affiliated with. Among the most prominent examples are the Meymeh plain settlements of Isfahan province, including Rabat Agha Kamal, Azan, Meyma, Wazwan, and Ghoshghan Carpet. All of these have been abandoned over time due to devastating earthquakes in early Islamic centuries. Once again, a new settlement has been made in connection with the deployed one. This study investigates the role of the earthquakes in the desertification of this plain's historical settlements, based on field research and library studies. The research's central question is why the significant settlements of the Meymeh Plain at the dawn of Islam were abandoned in the same period, and new establishments were made in connection with them? The central hypothesis is that historical texts and archaeological studies show earthquakes in the third century AH and affected this domine.

**Keywords:** Ancient Seismology, Historical Texts, Historical Enclosures, Isfahan Mayma Plain.

---

1. DOI: 10.22051/HII.2020.25351.1973

2. Associate Professor, Department of Archeology, University of Tehran,  
Email: [jelodar@ut.ac.ir](mailto:jelodar@ut.ac.ir)

3. PhD Student in Archeology, University of Tehran (Corresponding Author),  
Email: [hamidpoordavood@yahoo.com](mailto:hamidpoordavood@yahoo.com)

4. Associate Professor, Department of Archeology, Isfahan University of Arts,  
Email: [salehi.k.a@aii.ac.ir](mailto:salehi.k.a@aii.ac.ir)

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493